



۲۰۱۸/۰۳/۰۲

آریانا افغانستان آنلاین

## افغانستان سرزمین افغان هاست

افغانستان عزیز وطن تمام افغان هاست. این افغان ها متشکل از همه اقوام شریف کشور می باشند. وطن ما مثل اکثر ممالک جهان کثیر الاقوام است. هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که یک قومی، یک نژادی، یک مذهبی، و یک زبانی باشد و نیز در جهان معاصر کشور های را میتوان یافت که اسمای ایتنیکی دارند. ممالک کثیر الاقومی هم اند که اتباع شان نام کشور خود را به حیث هویت ملی پذیرفته اند و هویت خویشرا از دل و جان دوست میدارند. در هند اگر مسلمانش است یا هندوی آن یا برهنمن و یا مسیحی اش، همه با افتخار خود را "هندی" می گویند، در تمام ممالک دنیا گروه های قومی آنها با حفظ نام و هویت قومی خود، با افتخار هویت ملی خود را می پذیرند و آنرا محترم می شمارند.

بلی افغانستان کشور اقوام برادر است، این اقوام در طول تاریخ در کنار هم، با یک دیگر مشترکاً زندگی نموده و در کنار هم در برابر تجاوزات اجانب و مغرضان، از سرزمین آبایی خویش با سر و مال خود دفاع کرده اند. این اقوام طی قرون متمادی، زندگی باهمی را در حد پخته و متکامل آن ریشه پی ساخته اند.

بدون شک در طی زمان، رویداد ها و حوادثی هم رخ داده که منتج به پیشگیری و یا عقب افتادگی بعضی از اقوام برادر گردیده است و هم وقایعی اتفاق افتاده است که قومی، از سران و زورمندان یک قوم برادر خود صدماتی را متحمل شده باشد. این وقایع ایجاب بحث جداگانه تاریخی ای را مینماید که منشاء حوادث را باید در آن جست و جو نمود و عنصر جبر تاریخی و عوامل و انگیزه های آن زمان را آگاهانه و بدون غرض به سنجش گرفت. چنین وقایع و حوادث تقریباً در تمام ممالک جهان به درجات متفاوت رخ داده است. قضاوت صادقانه و عالمانه از ما می خواهد تا هر واقعه را در چوکات عوامل و شرائط تاریخی آن بررسی کنیم افراد و گروه های ذیدخل در مقاطع مختلفه باید مسؤل رویداد های دوران خودشان شناخته شوند. نباید نسل های دیگر و نسل های آینده را مقصر عوامل و شرایط تاریخی گذشته ها قلمداد نمود که نه تنها معقولیتی نخواهد داشت، بلکه عادلانه نیز نخواهد بود.

نظر به تحقیقات علمی و تاریخی که توسط علمای داخلی و خارجی اعم از هندی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی و . . . صورت گرفته است، اسم افغان، نام قوم پشتون نبوده بلکه به تمام باشندگان این قطعه جغرافیایی اطلاق می گردیده و می گردد.

اما طوری که دیده می شود، بحث بالای نام "افغان" در یک محدوده علمی مطرح نگردیده، گویی صدای علم و تحقیقات اکادمیک شنیده نمی شود و نمی گذارند این صدا به گوش کسی برسد، به عبارت دیگر این بحث با مقاصد، اغراض، منافع، دلایل و استدلال های سیاسی در میدان های سیاسی در جریان است. در میان تمام مردم جهان و محققان آن اصل بر آنست که بحث ها و استناد ها پیرامون "هویت" از گرایش ها و جر و بحث های سیاسی به دور نگهداشته شود، این اصل خاطر نشان می سازد که سیاسی سازی بحث هویت اصولاً مشروعیت ندارد.

آنانی که این مباحثه را به راه انداخته اند به چند دسته تقسیم شده می توانند:

- افراطی های بعضی از اقوام
  - متعصبین برخی از اقوام
  - یک عده معدود گماشتگان خارجی که از دامن زدن نفاق میان مردم ما نان حرام شان را پیدامیکنند.
  - تعدادی از هموطنان شریف، ستم دیده و خوشباور ما که به تبلیغات چند گروه نامبرده اعتماد می نمایند.
- با تأسف که دسته آخری محل آماج تبلیغ نفرت قومی قرار میگیرند و شاید بعضاً خود نیز در ادامه چنین تبلیغات نفرت قومی و اتنیکی بپردازند، مخصوصاً افراد و اقشاری که در جریان وقایع چهل سال اخیر صدماتی دیده اند، برای شان چنین توجیه می شود که گویا اختلافات و تفاوت های قومی سبب وقایع دلخراشی بوده که آنان متحمل گردیده اند. مبلغان نفرت قومی، عوامل سیاسی و اجتماعی این وقایع و مظالم را که عامل اصلی بروز رویداد های وخیم دیروزی و امروزی می باشد، مطرح نمی کنند، به دلیل اینکه یا قادر به فهم آن نیستند و یا طرح آن، منافع شان را تهدید میکند.
- ما فیای سیاسی، قومی و اقتصادی در وطن ما ریشه تبلیغ نفرت قومی را به دست دارد، اتحاد و همبستگی مردم ما برای منافع آزمندان و نامشروع این قشر خونخوار خطرناک است، لذا به هر وسیله ای سعی به از هم پاشیدن مردم می نمایند.

مردم ما باید هوشیار و بیدار باشند. افراطی های جوانب دیدخل و متعصبین هر قوم و تبار نه تنها تیشه به ریشه وطن خود، بلکه تیشه به ریشه خود هم می زنند.

- درست است که تبعیض و نابرابری حذف شود و تمام اتباع کشور بدون در نظر داشت قوم و تبار، با رعایت حقوق و توانایی های تخصصی و مسلکی شان در پست های عامه حق تقرر داشته باشند،
- درست است که تمام اقوام، هویت قومی خویش را با افتخار نگه دارند و در تقویه و نشر فرهنگ آن آزادی کامل داشته باشند،
- درست است که تمام منابع مادی و معنوی وطن ما به صورت عادلانه و صرف نظر از هویت تباری آنها به تمام اتباع کشور متعلق باشد و همه از آن مستفید گردند.
- بدین ترتیب مردم افغانستان حق دارند، یک ملت سر بلند شوند.
- آنان حق دارند، مسیر ملت شدن را دست به دست با انکشاف صنعتی و اقتصادی کشور طی نمایند.

یک قوم به هیچ صورتی به تنهایی یک ملت شده نمی تواند یک قوم به هیچ وجه یک ملت را ساخته نمی تواند، وظیفه خطیر "ملت شدن" از آن تمام اقوام کشور ماست. این ملت پشتون نام ندارد، تاجک نام ندارد، هزاره نام ندارد، این ملت

از یک نام ندارد، بالاخره اسم "افغان" هویت ملی مردم افغانستان است که از دیر زمانی نام تمام باشندگان این سرزمین بوده است، نامی که از فراز و نشیب تاریخ عبور کرده و کلید مدنیت مردم این قطعه تشخیص شده می تواند، طوری که تاریخ گواه است افغان هویت فرهنگی تمام مردم افغانستان - شامل تمام اقوام کشور - را افاده میکند. پشتون ها حق ندارند این اسم را به خود منحصر سازند، به همین صورت افراطی ها، متعصبین و مغرضان سایر اقوام نیز حق ندارند، مردم کشور ما را از اسم سرتاسری ملی شان محروم سازند و آنها را در محوطه محدود تباری به نفع خود محصور نمایند و با بستن مردم ما در زنجیر های قومی، از آنها به نفع منافع نامشروع خود بهره ببرند و نیز مانع آن گردند تا کشور ما از سرزمین متشکلت به یک کشور ملت قوی تکامل نماید.

- معضلات بین الافغانی فقط با طرق مسالمت آمیز و ملت سازی حل شده می تواند.
  - نباید از حقایق تلخ نابرابری ها که بعضاً صبغه قومی دارند، چشم پوشی نمود. اما این تفاوت ها را نباید در حد یک اختلاف "خصمانه" گسترده ساخت. طرق حل این معضلات را باید با خودسردی و با توجه به نفع عادلانه همه جست و جو کرد.
  - باید به دور از حس نفرت و نفرت پاشی به مسائل تباری و قومی رسیدگی کرد.
  - در حل مسائل قومی باید مدبران، بیطرفان و خیرخواهان اقوام را مجال داد، نه افراطی ها، مغرضان، متعصبان و جاهلان را....
  - افراد هر قومی حق دارد که هویت قومی خود را داشته باشد ولی هویت ملی و وطنی شان "افغان" خواهد بود
  - تغییر نام "افغان" جدال برانگیز و فاجعه بار خواهد بود، این نام ها ابعادی از مدنیت ما است تاریخ و فرهنگ و ثقافت و بخش عظیم گذشته مردم این کشور با این نام وابسته بوده و ثبت گردیده است.
  - حل بحران های موجود در کشور با ایجاد اتفاق و اتحاد مردم کشور میسر میگردد و همبستگی و اتحاد مردم ما با اجرای عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه عواید مادی و معنوی تمام منابع میان مردم ما، حذف قشر مافیا و باز پس گرفتن اراضی چپاول شده دولتی که ملکیت تمام مردم ماست، ضبط دارایی ها و ثروت های غارت شده ملی، بیت المال و اشخاص از نزد تفنگ سالار ها، و زورمندان.
  - آزاد کردن مردم ما از قید فقر و در نتیجه رهایی از قید گرایش های تباری که زورمندان، آنها را در چنان شرایط نگهداشته اند.
  - توزیع زمین های زراعتی غارت شده و زمین های دولتی مازاد به دهاقین بی زمین و کم زمین از هر قوم و تباری که باشند.
  - باز گرداندن جایداد ها و ملکیت های خصوصی و اشخاص که زورمندان و قومندان سالاران آنها را غصب کرده اند.
  - تضعیف و درنهایت امحای گرایش های منفی تبار گرایی از طریق انکشاف متعادل و تأمین عدالت اجتماعی این ها مواردی اند که تحقق آن امکانات حل مسائل بین الافغانی را فراهم خواهند کرد.
- و اما چرا در این اواخر مسائل بحران زا میان مردم ما دامن زده می شود...؟

یکی اینکه دولت ما بنا بر نفوذ نامتناسب قوماندان سالار ها و زورمندان و نبود مسیر معین در قضایای مطروحه گیر کرده و بالآخر نظام را در موقعیت ضعیفی قرار داده است، مخصوصاً طی چند سال اخیر تمایلات مغایر نظم و انسجام، هم در داخل و هم در خارج دولت باعث تشتت بیش از پیش جامعه گردیده است. دشمنان وطن ما از این فرصت مساعد برای تخریب و تضعیف کشور ما سعی به خرج داده اند دشمنان افغانستان، مغرضان و افراطی ها از این وضع سعی میکنند به مفاد خود بهره ببرند.

دگر آنکه علی الرغم این همه تشتت، یک جریان قوی شتاب اقتصادی در کشور به مشاهده میرسد، اگر این جریان به اهداف خود دست یابد، دگر دسایس و کار شکنی ها در برابر ملت سازی بی اثر می شوند، واغراض و مقاصد مغرضان برای شان دست نیافتنی می گردد.

این مقاصد و اغراض کدام ها اند: آب های زلال کشور ما، معادن گرانبهای ما، موقعیت مهم جیوپولیتیک ما، راه های ما به حیث معبر به آسیای مرکزی، دولت ما و تصامیم ملی سرتاسری اش که جز منافع مردم و افغانستان، چیز دگر را در نظر نگیرد.

و نیز طوری که دیده می شود بعضی از طرح های دولت گام تعرضی به داشته های حیاتی مافیای مسلط در کشور ما تلقی شده است که مافیا را در تحرک، تشدد و دستپاچی قرار داده است، بخشی از اعتراضات فعلی ریشه در همین اسباب دارد که به آن رنگ و پرده تباری و قومی داده می شود.

مردم ما شامل تاجکان مدنیت گرای ما، هزاره های دانش پرور ما، ازبک های با شهامت ما، پشتون های زحمتکش ما و سایر اقوام نازنین وطن ما باید هوشیار باشند که این پلان های نامقدس دشمنان این مرز و بوم مبنی بر رد هویت ملی، تردید به اسما و نام های وطن ما و خود ما، به این غرض است که ما را به جان هم بیاندازند و مافیا یک بار دیگر فجایع سال های ۹۱ و ۹۲ را تکرار کند و مردم را به خاک و خون بکشاند. این عناصر برای دستیابی به مقاصد خود به هیچ چیزی رحم نمی کنند.

این بُعد موضوع را نیز نباید نادیده گرفت که تبار زدگی و قومی سازی مسائل باعث آن خواهد شد تا توجه جناح ها، منجمله نظام، بیشتر به ماهیت قومی و قومگرایی معطوف گردد، که این تمایل غلط نه تنها باعث رویارویی اقوام برادر و برابر در وطن ما خواهد شد، بلکه سرعت رشد ملت شدن ما را بیش از پیش بطی تر خواهد نمود.

تاریخ ثابت کرده است که مردم شریف و ستمدیده کشور ما بار ها از این چنین بحران ها با تهور و آگاهی عبور نموده اند و همیشه از اتحاد و یک پارچگی خود محافظت کرده اند، ان شاء الله مردم شریف ما با تجاربی که از تاریخ وطن خود دارند از این مرحله پُر پیچ و خم نیز متحدانه و پیروزمندانه عبور خواهد نمود.